



■ توسعه و انگاره‌های دنیاگرا*

مهندس سید مرتضی نبوی

منت خداوند علیم و حکیم را که به دست‌اندرکاران این دانشگاه توفیق داد همایش «اسلام و توسعه» را برگزار کنند و درود بر محققانی که توفیق یافتند حاصل اجتهاد و کوشش‌های خود را به این همایش ارائه نمایند. در این مختصر، قصد بیان نقاط قوت نیست که بحمدالله بسیار است. اجازه دهید فرصت را مغتنم شمرده سخن را با یک انتقاد شروع کنم. اردیبهشت ۷۵ که جناب آقای دکتر «سریع‌القلم» مکتوبی را ارسال و عنوانی را برای ارائه مقاله تقدیم داشتند، اینجانب همان موقع برای عنوان دیگری اعلام آمادگی کردم. اما متأسفانه آن پیغام تا نهم بهمن بازتابی نداشت؛ تا این که در این تاریخ، مکتوب مجددی از ایشان مبنی بر شرکت در میزگرد دریافت داشتم. به هر حال، بنده در اینجا فرصت را غنیمت شمرده چند نکته را که بیشتر متوجه نقاط بحث‌انگیز از مسائل دین و توسعه است به صورت فشرده خدمت عزیزان تقدیم می‌کنم. عنایت می‌فرمایند که چون کوتاه و خلاصه است، ممکن است در برخی فرازها جای بحث و ایراد وارد باشد که لاجرم تفصیل و مباحثه را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم که خداوند توفیق آن را بفرماید:

* این مقاله از سخنرانی آقای مهندس نبوی در همایش «اسلام و توسعه» در دانشگاه شهید بهشتی برگرفته شده است.

۱- رشد اقتصادی و سپس «توسعه» با ابعادی وسیع‌تر سیری را در دنیا گذرانده و دستاوردهایی هم داشته است. با این حال درست نیست که آن را وحی منزل بدانیم. باید با مذاقه در تجربیات بشر نظر افکند و حسن استفاده را هم داشت، اما بدون چراغ وحی هرگز.

۲- اگر عقل بشر برای تدابیر دنیا - آن هم دنیایی که باید مقدمه عقبی باشد - کافی بود، فلسفه ارسال رسل و انزال وحی منتفی می‌گردید. لذا صحیح نیست که در مقام انکار «تدابیر دینی دنیا» برآییم.

۳- این که می‌گوییم: «تدابیر عقلایی برای سامان دنیا مخالف احکام شرع نباشد» و اضافه می‌کنیم «آگاهانه عدم مخالفت با شرع را شرط کردیم نه لزوم موافقت را» بیانگر برخوردی علمی نیست.

اگر «لزوم موافقت را» برداشتیم چطور با قید اول که «جهت‌گیری کلی تدبیر دنیوی باید به سوی اهداف عالی دین باشد» سازگاری برقرار خواهد شد؟

۴- کسانی که انسان را شناخته‌اند یا شناخت بسیار ناقصی از انسان دارند قطعاً نمی‌توانند داعیه «علم مدیریت» داشته باشند. مثال می‌زنم: به چند سال قبل برگردیم. قبل از انقلاب در دانشگاه‌ها تحت عنوان مدیریت صنعتی - علمی به ما می‌آموختند که انسان را باید مثل ماشین فرض کرد و نظریه‌های مدیریت بر این پایه مطرح می‌شد! این نظریه‌ها، خلاف صریح احکام شرع نبود و لذا باید برای تدبیر دنیا آنها را می‌پذیرفتیم. امروز این نظریه در دنیا با بن بست مواجه شده و جواب نمی‌دهد و آن را رد می‌کنیم. در آینده نظریه‌های دیگری مطرح می‌شود و همه آنها «علم» تلقی می‌گردد. باید فراسط داشته باشیم. این طور نباشد که از روی غفلت! امروز تعارض تکلیف و توسعه غربی را به نفع توسعه سیاسی غرب برطرف کنیم و رندان از آن عدم تعارض «اسلام و کفر» را نتیجه بگیرند که اصل «تسامح و تساهل» را سخاوتمندانه جاری خواهند کرد.

«و جز پیروان دین خود را باور نکنید. بگو همانا هدایت، هدایت خداوندی است»^۱.

۵- این، سخن درستی است که برای تدوین اندیشه سیاسی و اقتصادی اسلام و دیدگاه‌های مکتبمان حول علم و فن سیاست و مدیریت و سایر علوم انسانی، باید تلاش و پژوهش و اجتهاد زیادی به عمل آورد و حوزه و دانشگاه‌ها راه خطیری

را در پیش دارند، اما این دلیل نمی‌شود که راه صحیح ولی دشوار را رها کنیم و تلاش کنیم به روش و عمل سیاسی سهل الوصول آن «جریانی» معتقد شویم که به جای کوشش فکری در جهت استخراج دیدگاه‌های مکتب، دچار ساده اندیشی شد و در صحنه اجرا، شعارش این بود که ما به احکام شرعی کاری نداریم، تصمیم می‌گیریم، لایحه تقدیم می‌کنیم، هر جا مغایر شرع بود شورای نگهبان اعلام کند. ۶- «رشد» یک واژه قرآنی است که به «هدایت» تعبیر شده و در مقابل «غی» یعنی «ضلالت» قرار دارد.

رشد یافتگان (راشدون) کسانی هستند که به راه هدایت و سعادت انسان و جامعه دست یافته‌اند. قرآن کریم شرط دست‌یابی به «رشد» را «ایمان به خدا» قرار داده «آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند. باشد که به رشد دست یابند»^۱. «تکبر و استکبار روی زمین» مانع انتخاب راه رشد می‌شود. «کسانی را که به ناحق در روی زمین تکبر می‌ورزند، به زودی از آیات خود باز می‌داریم. چرا که هر آیه‌ای بینند به آن ایمان نمی‌آورند و چنانچه راه هدایت را ببینند بدان نگرند و چون راه گمراهی را ببینند آن را برمی‌گزینند و این بدان سبب است که آیات ما را دروغ شمرند و از آن غافل بودند»^۲.

رشد یافتگان مخالف کفر و فسوق و عصیان و شیفته ایمان و تقوی هستند «بدانید رسول خدا در میان شماست، چنانچه در بسیاری از امور تابع فرمان شما باشد به مشقت گرفتار می‌آید، ولی خدا با محبوب کردن ایمان برای شما آن را در دلتان جلوه داد و کفر و فسق و عصیان را مورد نفرت شما قرار داد، اینان هدایت یافتگانند»^۳. بنا به نقل مفردات «راغب» رشد در قرآن کریم برای امور دنیوی و اخروی هر دو به کار می‌رود و «رَشَدٌ» صرفاً در امور اخروی.

قرآن کریم رابطه مستقیمی را بین «توسعه مادی و معنوی جامعه» و «ایمان و تقوی آن» تبیین می‌کند «اگر ساکنان تمام شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند درهای برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، لکن تکذیب

۱. همان. سوره بقره، ۱۸۶.

۲. همان. سوره اعراف، آیه ۱۴۶.

۳. همان. سوره حجرات، ۷.

کردند، ما هم آنها را به کیفر کردارشان فرو گرفتیم»^۱. بنابراین لازم می‌نماید که در باب نقش ایمان و تقوی در توسعه بیشتر بیندیشیم. آیا توسعه مادی و معنوی دنیا با تدبیر دینی به دست می‌آید که در آن با نور دین، عقل هم کاملاً فعال است یا با عقل مادی که نظارت استطلاعی دین در آنجا وجود داشته باشد؟

عنایت داشته باشید، نمی‌خواهم عرض کنم توسعه مادی بدون ایمان به دست نمی‌آید، (که آن هم در قرآن پیش‌بینی شده است)، اما همان طور که آیه فوق صراحت دارد این نوع توسعه، با پایان خوبی و دستاوردهای خوشی، همراه نیست.

۷- بنده معتقدم که ما اگر بخواهیم اهداف رشد و توسعه را از نظر قرآن و سنت فهم کنیم، باید به سراغ آیات و روایاتی که اشاره به حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عج) دارد برویم، چرا که جامعه مطلوب از نظرگاه ما همان جامعه است:

۱- روی پرچم حضرت نوشته شده بیعت برای خداست.^۲

۲- «گروهی را که صالح‌اند می‌آورد زمین را پر از قسط و عدل می‌کنند همچنان که از ظلم و جور پر شده است». ملاحظه می‌شود که بیشترین تأکید روی قسط و عدل است. کسانی که با قرآن و سنت آشنا هستند عنایت دارند که مفهوم قسط و عدل گنگ و مبهم نیست و راه‌های تحقق آن نیز با اجتهاد قابل حصول است.

۳- در استخراج راهکارها، دچار شبهه نمی‌شوند.^۳

۴- هر دوری برای او نزدیک می‌شود.^۴

۵- «بدی از میان می‌رود و نیکی باقی می‌ماند و آدمی مشتکی می‌کارد و هفت چندان به او ثمر می‌دهد همان‌گونه که خداوند تعالی می‌فرماید و زنا و نوشیدن مسکرات و رباخواری متروک می‌گردد و مردم بر عبادت‌ها و راه خدا و دینداری و نماز جماعت روی می‌کنند و عمرها فزونی می‌یابد... برکت‌ها دو چندان می‌شود و بدان هلاک می‌گردند و نیکان باقی می‌مانند»^۵.

۶- و هیچ ویرانی در زمین باقی نمی‌ماند.^۶

۷- «خداوند دست خویش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل‌های آنها را جمع کرده

۱. همان. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. احادیث از منتخب الاثر.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

و شکیبایی شان را کامل گرداند»^۱.

۸- کسی که در شرف است برادر خود را در غرب می بیند^۲.

۹- «خداوند به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دهند، وعده داد که در روی زمین جانشینشان کند، همچنان که پیشینیان آنها را جانشین کرد و دینی را که برای آنها پسندید استوار سازد و ترسشان را به آرامش بدل کند. مرا عبادت کنند و شریکی برایم قرار ندهند»^۳. دین خدا و امنیت و توحید کامل بر روی زمین مستقر می شود.

۱۰- «کسی از شما در آن روزگار جایی برای صدقه دادن و نیکی کردن نمی یابد، چرا که همه مؤمنین در غنا و بی نیازند»^۴. شکوفایی کامل اقتصادی و برخورداری همگانی برقرار می شود آن گونه که جایی برای صدقه باقی نمی ماند.

ملاحظه می فرمایید که به این ترتیب مشخصه جامعه توسعه یافته: «برقراری قسط و عدل و امنیت، شکوفایی علمی و اقتصادی، برخورداری کامل همه از تمام مواهب مادی و معنوی» است.

۸- برای رسیدن به چنین اهدافی از نظر قرآن کریم، مشارکت عموم مردم به عنوان وظیفه دینی واجب مطرح می شود. زیرا قرآن کریم در بسیاری از احکام اجتماعی خطاب های جمع به کار گرفته و فلسفه ارسال رسل و انزال کتب و میزان را برقراری قسط روی زمین توسط مردم ذکر کرده است «مارسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به همراه آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قسط را پیادارند»^۵ و این مشارکت با تبعیت کامل از خدا و رسول و اولیای امور که در جهت اطاعت از خدا انجام می شود منافاتی ندارد. معلوم است که مردم مؤمن از رهبری که مطابق ما انزل الله حکم نکند تبعیت نمی کنند. مردم و ولی امر با حفظ حقوق متقابل با هم مشارکت می کنند که دین خدا در زمین «تمکین» یابد و «قسط و عدل» اقامه گردد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

□ □ □

۱. همان.

۲. همان.

۳. قرآن کریم، سوره نور، آیه ۵۵.

۴. منتخب الاثر.

۵. قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.